

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب فاطمه ابوطالبی کوشکنو دارای مدرک کارشناسی ارشد، رشته فلسفه و کلام اسلامی، مدرس درس فلسفه در حوزه علمیه فاطمه الزهراء اردکان یزد مقاله ای تحت عنوان ((نقش تربیتی والدین نسبت به فرزندان)) برای همایش بانوی کرامت ارسال می کنم.

آدرس: یزد - اردکان- خیابان صدر اباد - کوچه مسجد زینب (س) - کوچه شهید قانعی (۵۰) - پلاک ۳۹
تلفن: ۰۳۵۲۷۲۴۶۲۳۴ - ۰۹۱۳۴۵۱۹۲۳۱

با تشکر

چکیده

نقش تربیتی والدین نسبت به فرزندان

در این عالم هیچ چیز به اندازه تربیت برای انسان ارزش ندارد، به یقین سرچشمه سعادت و رستگاری هر فردی با تعلیم و تربیت صحیح آن پی ریزی می شود و معمار آن بنای مقدس، والدین می باشند و رسیدن به آن با ارائه تعالیم و دستورهای ناب از جانب والدین و ایجاد تغییرات صحیح می باشد، که موجب رشد و تکامل فرزند می گردد.

نکته مهم این است که موفقیت والدین و به سعادت رسیدن فرزند، در گرو تدوین برنامه صحیح آموزشی و تربیتی می باشد. والدین در چهار مرحله باید برای تربیت فرزند خود تلاش کنند، اولین مرحله ای که شاید والدین به آن زیاد اهمیت نمی دهند دوران قبل از تولد است که از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. در این مرحله والدین با انجام واجبات و مستحبات و ترک کارهای حرام و مکروه و خوردن غذای پاک می توانند موجبات سعادت فرزندشان را فراهم کنند.

دومین مرحله حساس زندگی یک انسان، دوران کودکی است که خانواده با روش های صحیح تربیت می تواند فرزند سالم را تربیت کند که یکی از این روش های صحیح محبت است که والدین نباید در محبت کردن به فرزندان خود افراط و تفریط در این زمینه هم موجب عقده های شدن کودک می شود، کودک لوس و ناز پرورده بار آید و تفریط در این زمینه موجب عقده های شدن کودک میشود که عواقب خاص خود را به دنبال دارد.

والدین با تشویق فرزندان خود می توانند انگیزه ی انجام کارهای خوب را برای فرزندان خود ایجاد کنند و با تنبیه به جا (البته نه تنبیه بدنی) فرزندان را از کارهای بد باز دارند.

والدین در تربیت دینی فرزندان در هر مرحله از زندگی او نقش بسزایی دارند، روش الگویی بهترین روش برای پرورش دینی کودکان محسوب می شود.

در مرحله بعد یعنی دوره نوجوانی عوامل مختلف زیستی، روانی و اجتماعی بروز می کند که وظایف والدین را در این دوره متحول می شود؛ از این رو باید توانایی والدین در امر تربیت فرزندان افزایش پیدا کند و والدین نیاز های فطری آن ها را در این دوره شکوفا کنند، از جمله نیاز مستقل شدن، محبت و خشم.

امروزه تربیت نسل جوان جوان خیلی دارای اهمیت می باشد؛ زیرا والدین بیشتر به دنبال نیازهای مادی جوانان هستند و اطلاع کافی در مورد نیازهای ایجاد اعتماد به نفس و محبت که از مهمترین نیازهای یک جوان است را آگاه باشند و در برآوردن آن کوشا باشند.

واژگان کلیدی: تربیت، والدین، فرزند محبت، گناه.

مقدمه

در این دنیا ی پر غوغای کنونی، که جامعه به عرصه پیکاری جهت دست یافتن هر چه بیشتر به امور مادی تبدیل شده است، بسیاری از افراد آ تمام خمت، تلاش و فکر خود را صرف پیروزی در این میدان جنگ و گریز می نمایند تا با غلبه بر دیگری، مردار دنیا را تصاحب کنند.

اما در پس آن هیاهو و در میان جامعه اسلامی، همسران جوان، پدران و مادران موحد و خداجویی هستند که دل در گرو تربیت فرزند صالح سپرده اند.

خوشحالی یا بد حالی، بهروزی یا سیه روزی هر یک از انسان ها در گرو «تربیت» است و این مهم به عواملی هم چون ساختاری فرهنگی خانواده، محیط آموزشی، محیط زندگی، محیط کار، حاکمیت سیاسی کشور و کم و کیف تعلیمات بستگی دارد. این عوامل با یکدیگر ارتباط طوطی و تکمیلی دارند و در عین حال می توانند همدیگر را خنثی یا تخریب کنند. به همین جهت همه این عوامل به نوعی در قبال انسان و تعلیم و تربیت او مسئولند و در این بین، مسولیت پدر و مادر نسبت به فرزند، بیشتر و مهمتر از دیگران است؛ چون پدران و مادرانی که در پی شهوان ترانی و خوش گذرانی های زندگی خود هستند و از تربیت فرزندانشان غافلند، یک انسان را نکشته اند؛ بلکه همه بشریت را کشته اند و بر عکس پدران و مادرانی که تمام هم و غمشان صرف تربیت فرزندانشان می شود یک انسان را زنده نکرده اند، بلکه همه بشریت را زنده کرده اند. تربیت صحیح باید با برنامه ای دقیق و حساب شده ای انجام بگیرد تا موفقیت آمیز بوده و نتیجه بخش باشد.

تربیت فرزند قبل از تولد

تربیت انسان در دو مرحله انجام می گیرد، قبل از تولد و بعد از تولد. اهمیت تربیت انسان قبل از تولد، نسبت به کل تربیت در طول زندگی از پنجاه بیشتر نباشد کمتر نیست. کودکی که قبل از تولدش تربیت شدنش نشود، بعد از تولد تربیت شدنش بسیار سخت است. این اشتباه است که وقتی نوزادی متولد می شود، پدر و مادرش تازه به فکر تربیت او بیفتد؛ زیرا تمام عواملی که لازم بوده تأثیر گذاشته و نیمی از تربیت نوزاد فرزند انجام شده و اکنون که نوزاد به دنیا آمده است باید به فکر تداوم تربیت او باشند، نه این که فکر کنند تربیت فرزندانشان از حالا شروع شده است. متأسفانه در طول تاریخ، بشر از پیدایش تا حال، ارزشی برای این مرحله قائل نشده است و جز افراد انگشت شماری که جزء پیامبران و امامان و اولیاء خدا بوده اند، کسی به این مسئله اهمیتی نداده است. (۲۰ ص ۱۷) در تربیت فرزند قبل از تولد گناه و تغذیه دارای اهمیت زیادی است که به هر کدام جداگانه پرداخته شده است.

اثر گناه بر روی جنین

زن و شوهر وظیفه دارند قبل از بسته شدن نطفه، در آن شب گناهی را انجام ندهند؛ چه بسا فکر گناه و انجام گناه بر روی جنین اثر می گذرد. گناهانی که پدر و مادر انجام می دهند باعث آلودگی روح جنین می شود. مادری که غیبت می کند، حسود و ریا کار است به طوری که در کتاب های اخلاق آمده است این خصلت ها را به فرزندان خود منتقل می کنند. یکی از این گناهان بزرگ زنا است. که در حدیث آمده است که بعد از شرک به خدا، زنا بزرگترین گناه می باشد. «بعد از شرک به خداوند هیچ بزرگتر از این نیست که مرد نطفه ی خرام را در رحمی که بر او حلال نیست مسقر نیست.» (۱۶، ج ۲، ص ۵۶۷)

یکی از علت های این امر آن است که فرزند زنازاده در روانش تمایلات قانون شکنی و سوء اخلاق وجود دارد. (۲۰، ص ۱۵۹) و هم چنین یکی از علت های آن را این گونه بیان کرده اند که فرزند زنا زاده دشمن پیامبر و اهل بیت او خواهد شد. در تاریخ این مطلب نشان داده شده که قاتل امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام حرام زاده بوده اند. پدر و مادر در هنگام آمیزش نباید به فکر زن و یا مرد دیگری باشند چه بسا فرزندی که از آن ها متولد می شود، تمام فکر و ذکر و قوای جسمانی صرف لذت های شهوانی خواهد شد. (۲۰، ص ۱۶۰) خداوند دوست دارد جنین در شکم مادر از لحاظ سیرت و درون نیز زیبا باشد و از بندگان مخلص او شود؛ ولی اشتباهات و گناهانی که پدر و خصوصاً مادر در دوران بارداری مرتکب می شود سیرت و فطرت جنین را زشت و نازیبا می کند و از پیشرفت معنوی فرزند جلوگیری می کند، به همین دلیل پدر و مادر باید از سستی و تنبلی در انجام فرائض دینی بپرهیزند و در پی انجام واجبات و مستحبات باشند و از کار های حرام و گروه بپرهیزند تا موجب سعادت فرزندانشان را فراهم کنند.

اسلام برای این که والدین فرزندی شاداب و دل زنده و دارای سیرت پاک و زیبا باشند سفارشات در دوران بارداری دارد از جمله این که:

۱. این که برای سلامتی خود و فرزندی که در شکم دارید، این کار بلاها و بیماری ها را از جنین دور خواهد کرد.
۲. همیشه در حال ذکر و یاد خدا باشید.
۳. زیاد فکر کنید، البته فکری که سود مند باشد و آن فکر کردن به خداست، این کار موجب می شود فرزندان خدا پرست و خدا ترس شود.
۴. برای طهارت درون پیوسته با وضو باشید.
۵. تمام نمازهایتان را در اول وقت بخوانید تا حد امکان به جماعت بخوانید.
۶. نماز شب بخوانید.
۷. در جلسات روضه اهل بیت شرکت کنید، در جلسات سخنرانی اخلاقی برای پیشرفت اخلاقی خود شرکت کنید.
۸. هر روز قرآن بخوانید.
۹. هر روز توبه و استغفار کنید. (۲۹، ص ۱۵۰)

در تاریخ تولد حضرت زهرا (س) و بسته شدن نطفه ی او الگوی برای ما مسلمانان است، که پیامبر اسلام ۴۰ شبانه روز در غار حراء بودند و به عبادت بودند و به عبادت پرداختند و حضرت خدیجه نیز این ۴۰ روز را در خانه عزلت گزیدند، بعد از ۴۰ روز از طرف خداوند، به وسیله جبرئیل میوه های بهشتی برای پیامبر آورده شد تا بخورد و با حضرت خدیجه آمیزش کند که حاصل این آمیزش حضرت زهرا (س) است. (۲۰، ص ۱۵۵)

اثر تغذیه بر روی جنین

از جمله مواردی که مادر در دوران بارداری باید دقت داشته باشد و از وظایف او محسوب می شود این که باید غذای غنی و کامل در این دوران استفاده کند. اسلام در این مورد سفارشات زیادی نموده است. (۲۱، ص ۷۱) به این که هر نوع غذای

جسمی و روحی بر کودک اثر خواهد داشت، پس مادر باید در دوران بار داری به نوع غذا و حلال بودن آن توجه خاص داشته باشد؛ زیرا تأثیر بسیاری بر اخلاق و رفتار و ایمان کودک می‌گذارد.

غذا هم در ساختار جسم انسان تأثیر دارد و هم در روح و اخلاق او اثر مستقیم دارد. (۲۰، ص ۴۵)

پیامدهای غذای حرام آن است که تمام خوبی‌ها و ساختار اصلی انسانیت را ضعیف و یا متزلزل می‌کند و از بین می‌برد به طوری که اکثر ظلم‌ها و خیانت‌ها محصول لقمه حرام است.

از وصیت حضرت علی (ع) به کمیل بن نخعی است که فرمود:

«ای کمیل! زبان قربان دل است یعنی آن چه در قلب می‌باشد از زبان می‌ترواد و دل به غذا نیرو می‌گیرد و یا بر جا می‌ماند. نظر کن چه غذایی به دل و تنت می‌دهی که اگر غذا از حلال نباشد، خدای متعال تسبیح و شکر تو را قبول نخواهد فرمود.» (۲۰، ص ۴۶)

هر پدر و مادری که لقمه حرامی چه قبل از تولد و چه بعد از تولد به فرزندش بخوراند منتظر عواقب وخیم آن در آینده‌ای فرزندش باشد که هر عمل زشتی فرزندش مرتکب شود گریبان گیر او خواهد شد.

اسلام غذاهایی را که هم برای مادر و هم برای جنین مفید است را سفارش نموده از جمله به خوردن غذاهایی مثل شیر، خرما، انار، به، سیب، گلابی... تأکید شده است.

تربیت فرزند در دوران کودکی

دوران کودکی در انسان اهمیت ویژه‌ای دارد و این دوران می‌تواند بنای سالم و سعادت‌مند را پی‌ریزی کند و از بروز بسیاری از مشکلات در آینده جلوگیری نماید. در گذشته به اهمیت و نقش این دوره توجه لازم نمی‌شد و والدین با رفتارهای خشونت آمیز با کودک رفتار می‌کردند و تنبیه بدنی را بهترین وسیله برای تربیت کودک می‌دانستند؛ اما بررسی‌های علمی در قرون اخیر نشان داد که دوران کودکی نسبت به دوره‌های دیگر نقش زیر بنایی دارد.

بسیاری از نابسامانی‌های روانی و اخلاقی انسان ناشی از تربیت نادرست او در دوران کودکی است. (۷، ص ۱۰) پس والدین باید با روش‌های صحیح تربیت کودک آشنا شوند و آن‌ها را به کار برند تا در دوره‌های بعدی دچار مشکل نشوند.

و از جمله مسائل مهمی که والدین باید نسبت به آنها آگاه باشند و زمینه سعادت و خوشبختی فرزندان خود را در این دوره به وجود آور؛ محبت، نقش تشویق و تنبیه دینی و روانی است.

الف) محبت

انسان تشنه محبت است و محبت حیات بخش دهاها است. کودک یک انسان کوچک است که بیش از بزرگان به محبت نیاز دارد، همان گونه که به غذا احتیاج دارد به محبت و نوازش نیازمند است. کودک متوجه نیست که در کاخ زندگی می‌کند یا در کوخ؛ اما به خوبی می‌فهمد که محبت دیگران است یا نه.

با احساس محبوبیت می‌تواند آرام و راحت به رشد و نمو ادامه دهد و در صفات عالی انسانیت تکامل یابد. محبت ریشه اخلاق نیک است، در پرتو محبت می‌توان احساسات و عواطف کودک را به خوبی پرورش داد و از او انسانی شایسته ساخت.

کودکی که از محبت اشباع شده باشد، روانی شاد و دلی با نشاط دارد. احساس محرومیت نمی‌کند تا عکس العمل بد نشان دهد. خوشبین و خوش قلب و با اعتماد می‌باشد. او یک انسان طبیعی است و عقده روانی ندارد. خیر خواه و انسان دوست بار می‌آیند او بهتر کمی تواند با مشکلات و حوادث سهمگین دوران بلوغ و تغییرات جسمی و روانی روبه‌رو گردد. (۴، ص ۱۸۸)

از نتایج دیگر محبت به کودکان این است که فرزند در یک مسئله کمبود محبت ندارد و برای تسکین خاطر به کانون‌های فساد در دوران بعد پناهانده نمی‌شود. کودکی که طعم محبت را نچشیده باشد نمی‌تواند به دیگران محبت کند و از او توقع بشر دوستی نمی‌توان داشت. این کودک در خود احساس حقارت، کمبودی و محرومیتی می‌کند که برای هر نوع انحرافی آمادگی دارند.

کم محبتی نشانه بسیاری از تند خوئی‌ها، خشونت‌ها، لج‌بازی‌ها، بدبینی‌ها، زور گوئی‌ها، حساسیت‌ها، ناامیدی‌ها، افسردگی‌ها، گوشه‌گیری‌ها و ناسازگاری‌ها است.

کسی که کحبتی ندیده ممکن است دست به قتل و دزدی بزند تا از اجتماعی که او را دوست ندارد انتقام بگیرد، حتی ممکن است خود کشی کند تا از وحشت و محبوب نبودن نجات یابد. (۷، ص ۱۱۹)

امام صادق علیه السلام: «ان الله لیبره الرجل شده حبه لوالده» «خداوند بنده اش را به واسطه شدت محبتی که نسبت به فرزندش دارد مورد رحمت قرار خواهد داد.» (۹، ج ۱۵، ص ۹۸)

یکی از مسائلی که در محبت مهم است اظهار محبت است که پدر و مادر هر چند فرزندانشان را قلباً دوست دارند در اعمال و رفتار خود باید این محبت را نشان دهند. کودک با نوازش‌ها، بوسه‌ها و در آغوش گرفتن‌ها، تبسم‌ها، بازی با آنها و حتی از آهنگ محبت آمیز سخنان پدر و مادر احساس محبت می‌کند.

انسان تنها در کودکی تشنه محبت پدر و مادر نیست؛ بلکه در نوجوانی و جوانی نیز نیازمند محبت است چه بسا فرزند از بی‌مهری آنان افسرده و از محبت آنها شاد می‌شود. (۴، ص ۱۲۳)

می زند و اشتغالات ذهنی و فکری را برای نوجوان فراهم می آورد؛ از این رو باید والدین کاملاً مراقب باشند علت توجه نوجوانان به جنس مخالف گاهی به دلیل لذت جویی است و گاهی هم ناشی از نیاز به مهرورزی یا مهر طلبی است. (۷، ص ۵۵) عواملی که نیاز جنسی نوجوان را تحریک می کند، دیدن مناظر تحریک کننده از طریق فیلم، شنیدن و خواندن مطالبی در این زمینه است که معمولاً از طریق دوستان او صورت می گیرد که والدین در این زمینه راهنمایی خوبی برای فرزندانشان باید باشند؛ زیرا نوجوان جواب سوالات خود را از دوستانش می پرسند و عدم تجربه کافی برخی از دوستان ممکن است نوجوان را دچار ابهاماتی کند، که باعث اضطراب و نگرانی اش شود. پس والدین دو وظیفه مهم دارند: اول آنکه نوجوان را از وقوع تغییرات بلوغ که آنان را غالباً غافلگیر و نگران می کند، آگاه سازند، دوم اینکه باید از ظهور برخی انحرافات معمول این دوره مثل استمناء و... به آنان هشدار دهند، زیرا جهالت جنسی خطرات فراوانی به بار می تواند بیاورد. (۷، ص ۵۷)

جوان برای درک بهتر خود و نیز آشنایی با محیط پیرامون خویش، نیاز به راهنمایی و آگاهی دارد. او همواره در حال رشد و نمو است و رشد جسمی اش به طور طبیعی، همراه با حالت ها هیجان های روحی و عاطفی است. جسم جوان به شکل غیر ارادی به رشد خود ادامه می دهد و رشد روحی و روانی وی در ارتباط مستقیم و متقابل با جسم اوست. هنگامی جریان رشد، حالت طبیعی به خود می گیرد، که او را از نظر فکری و اعتقادی در جهت صحیح و در مسیر طبیعی برنامه های تکاملی نظام آفرینش قرار گیرد.

شناخت ویژگی های دوره جوانی برای جوانان ضروری است؛ زیرا انسان تا خود را نشناسد و خصوصیات خود را درک نکند قادر به ساختن و پرورش خود نیست و هم چنین برای والدین هم ضروری است؛ زیرا اگر والدین خصوصیات و ویژگی های دوران جوانی را ندانند قادر به تربیت نسل جوان نخواهد بود.

پس از جمله ویژگی های جوانان خود آرائی، استقلال طلبی، خشم، ترس و ... است که به برخی از آنها پرداخته می شود. **خود آرائی:** از ویژگی های دوران جوانی میل به خود آرائی است. جوانان که در دوره جوانی، خود به خود از نوعی زیبایی طبیعی برخوردار هستند سعی می کنند با اضافه کردن زیبایی های مصنوعی بر زیبایی خود بیفزایند. اسلام که دین جامع و کامل می باشد به تمام ابعاد زندگی مادی و معنوی انسان ها توجه نموده، با تأکید بر استفاده از لباس های زیبا، پاکیزگی بدن، مسواک کردن دندان، معطر کردن، رنگی کردن و روغن زدن مو، جامه قشنگ پوشیدن و کارهای نظایر اینها حس خودآرائی جوانان را به راه صحیح و بی خطر هدایت نموده و بر جلوه جمال آنان افزوده است. (۸، ص ۳۲) تجمل پرستی و زیاده پرستی در زینت و خودآرائی عوارض نامطلوبی در بردارد و ممکن است دختران و پسران جوان را به راه های غلط سوق دهد و سر انجام مایه تیره روزی و بدبختی آنان گردد.

توجه به خودآرائی بیش از اندازه می تواند منشأ بیماری وسواس شود و موجب اختلالات روحی گردد. بیش از اندازه به خود آرائی، برای جلب توجه دیگران، ممکن است باعث پیدایش خوی ناپسند ریا کاری و خود پرستی شود و آدمی را منفور و مردود جامعه نماید. توجه بیش از اندازه به خودآرائی می تواند شخص را از فعالیت های ثمر بخش زندگی باز دارد و عمر انسان در راه های غیر مفید مصرف شود. (۱۱، ص ۴۲)

پس جوانان باید جمال و زیبایی را برای خود جمال زیبایی بخواهند، نه برای جلب توجه دیگران، زیرا هنگامی می توان زیبایی را در همه جا رعایت کرد که فی نفسه برای آن ارزش قائل شد؛ اما اگر صرفاً برای برانگیختن دیگران باشد ممکن است جوانان را در مسیر ناپسند ریا کاری و خود پرستی قرار دهد. (۸، ص ۳۲)

استقلال طلبی: استقلال طلبی از تمایلات پر ارزش است که به قضای حکیمانه الهی در نهاد جوانان آفریده شده است. این تمایل پایه اساسی اعتماد به نفس، مقدمه پیروزی های اجتماعی نسل جوان است. والدین فهمیده و دانا، استقلال طلبی فرزندانشان را نشانه سلامت جسم و جان آنان می دانند و در این مورد دچار نگرانی نمی شود.

جوانان در اشباع این حس نباید تندیروزی کنند و از حد طبیعی آن پا فراتر گذارند؛ زیرا این حس باید به کمک والدین اشباع شود و به خاطر تجربه کمتری که دارند ممکن است از جاده مصلحت زود خارج شوند و موجبات بدبختی خویش را فراهم سازند جوانان باید از راهنمایی و تجربیات والدین استفاده کنند.

استقلال طلبی آها بدین معنی نیست که در تمام امور خودشان به تنهایی تصمیم بگیرند و تذکرات و یا مخالفت های والدین نشانه سلب آزادی آنان باشد چه بسا اگر جوانان تذکرات را بپذیرند و عملاً به کار ببندند خود را از فواید آنها برخوردار می گردند. (۱۲، ص ۸۹)

پدران و مادران مسلمان که می خواهند فرزند جوان خود را با شایستگی پرورش دهند و او را انسان لایق و با ارزش بسازند، باید جوان را وزیر خانواده بدانند و شخصیتش را محترم شمارند، در امور داخلی با او مشورت کنند و نظریه اش را مورد بررسی قرار دهند و بدین وسیله خواش استقلال طلبی او را بر آورده سازند. (۱۲، ص ۴۷)

خشم: در جوان، خشم یک حالت تهاجمی و دفاعی است که هرگاه منافع و مصالح شخصی اش به خطر افتد یا مانعی در رسیدنش به هدف پیش آید و یا در انجام کاری ناتوان باشد، در او ظاهر می گردد. واکنش های خشم در جوان بسیار متفاوت است، به خصوص در اوایل بلوغ، در عده ای به صورت تمردد و سرپیچی و در برخی به گونه داد و فریاد کشیدن و در عده ای دیگر به صورت سکوت با اخم و گوشه گیری و افسردگی نمایان می شود، زمانی به صورت عکس العمل های تکراری از قبیل کوبیدن پا به زمین یا در به دیوار، ظاهر می گردد. مدت خشم زمان در جوان بیش از کودکان است و عوامل محرک خشم در جوان، گاهی چیزهایی است که از آن محروم می شود و بین او و آرزوهایش فاصله می افتد و یا از خواسته های آنی اش جلوگیری می شود.

گاهی خشم او متأثر از عوامل طبیعی است مثل تغییر هوای خیلی سرد و یا حرارت سوزان و طوفان، گاهی هم خشم در مقابل رفتار والدین پدید می آید. (۱۰، ص ۹۴)

جوان باید در برابر والدین والدین و دوستان و زیر دستان خود خشم خود را کنترل کند؛ اما هنگامی که می بیند حق نا حق می شود، دیگر نباید دم فرو بندد؛ بلکه در این صورت باید خشم خود را به طور طبیعی و معتدل اظهار کند و از حق دفاع نماید. (۱۰، ص ۹۶)

نکته ای که باید مورد توجه والدین قرار گیرد این است که والدین هم نباید موجبات جوانان خویش باشند؛ چون یک قسمت از طغیان و عصیان جوانان، ناشی از بی مهری ها و اعمال نسنجیده پدران و مادران است. تحقیر و سرزنش های غیر صحیح، سخت گیری ها و خشونت های بی مورد، مخالفت ها و انتقادهای نابجا پدران و مادران نادان، فرزندان جوان را خشمگین و غضب آلود می کند و آنان را به ستیزه جویی و تجاوز کاری وا می دارد. این قبیل پدران و مادران، مورد بدبینی و سوء نظر اولیای گرامی اسلام هستند.

ترس: تجربه ها و تحقیقات نشان داده است که اغلب ترس های موهوم بی پایه ی دوران کودکی (مانند از تاریکی و تنهایی و حیوانات ...) در دوره جوانی از بین رفته و جای خود را به ترس های جدیدی که مخصوص این دوره است می دهند. ترس از آینده ای مجهول، کم رویی و گریز از موفقیت های زندگی، پریشانی و افسردگی به خاطر غوطه ور شدن در ناراحتی های تخیلی و ... همه این موارد شخصیت جوان را متزلزل و او را دچار نگرانی های روحی و روانی می کند، در این زمان و موقعیت است که جوان نیازمند پایگاه امن فکری و محل اتکای روحی مطمئن می باشد، تا این که قلب را از دلهره و اضطراب درباره ی آینده و هراس و نگرانی در مورد زمان حال، کاش دهد و برای ادامه زندگی به او آرامش دهد. در چنین شرایطی یاد خدا مایه آرامش دل جوان می گردد و با صفای باطنی که دارد و گرایش مذهبی که در فطرتش نهفته است، نقطه امید در قلبش روشن می شود و اضطراب روانی اش از بین می رود، و از طرفی با مشورت با والدین خود و به کار بستن نظرات آنها نگرانی های آنها کمتر می شود.

ارضای نیاز عاطفی جوانان

مناسب ترین شیوه در ارضای نیاز های عاطفی، روانی جوانان ایجاد اعتماد متقابل در برقراری رابطه شفیقانه و رفقانه است؛ آنان نیاز به همدلی و همراهی دارند که هرگز شخصیتشان را مورد تهدید، انتقاد و سرزنش قرار نگیرد. (۲، ص ۲۳)

یکی از عواطف بسیار مهم و با ارزش در جوان محبت و دوستی است که در این دوره شدید می باشد. وظیفه والدین در این دوره آن است که جوان خود را با چهره ای باز استقبال کنند و نباید رفتار آمرانه نسبت به فرزند خود داشته باشند، بلکه باید به فرزندانشان با مهربانی و عطوفت نیز برخورد کنند. (۲، ص ۲۳)

ایراز مهر و علاقه به جوان متفاوت است، مثل:

هم دردی با آنان در مواردی که رنجی بر آنان داده شده است و مراقبت کافی از آنها به هنگام بیماری که کمک به آنان در حل مشکل آنها، ستایش هنر و عملکرد های خوب آنها، قدردانی و تشکر از زحماتشان که درباره زندگی خانوادگی انجام داده اند، برآورده ساختن نیازهای آنها، نشستن با آنها، مورد توجه قرار دادن نظرات، پیشنهادات و انتقادات آنان، با احترام به شخصیت آنها به رشد و خردشان، ترجیح دادن منافع مشروع آنها و خود، مورد نظر داشتن آزادی و نشاط روحی او، دادن فرصت به او که بتواند شادی کند و از لذات مشروع زندگی بهره گیرد. خوداری از خرده گیری و انتقاد او در حضور جمع، ایجاد رابطه خوب بین پدر و مادر، خودداری از درگیری، تحقیر و تمسخر او مخصوصا در دیگران و ... شیوه های مختلف برای ابراز مهر و علاقه به جوان است. (۱۵، ص ۲۱۱)

یکی دیگر از راه های ارضای نیاز های نسل جوان تکریم شخصیت است. یکی از سرمایه های فطری و ذخایر خدادادی وجود انسان غریزی حب ذات است که از طریق این غریزه، تکریم و توجه به شخصیت افراد می شود.

والدینی که علاقه دارند فرزندی با شخصیت مطلوب، پرورش دهند باید به دوران کودکی او توجه کنند. احترام به کودک و حس معاشرت پدر و مادر با وی، یکی از اساسی ترین عوامل ایجاد شخصیت مطلوب است. (۲، ص ۲۷)

پیامبر اکرم می فرماید: «به فرزندان خود احترام کنید و با آداب پسندیده با آنها معاشرت نمایید.» (۱۷، ج ۲۳، ص ۱۱۴)

احترام به افراد مخصوصا به نوجوانان و جوانان یکی از عوامل جلب محبت و اطاعت است و در مقابل توهین به شخصیت افراد به ویژه نسل جوان یکی از مهم ترین اسباب برانگیختن دشمنی و مخالفت است.

پدران و مادران باید این واقعیت را بپذیرند که فرزند جوانشان دیگر کودک نیست و نباید مانند دوران کودکی اش با او رفتار کنند و با تند و خشونت به او امر و نهی نمایند.

شیوه های اصلاح رفتار

الف) استفاده از ویژگی های مطلوب (تقویت مثبت)

از آنجا که فطرت انسان تشویق پذیر و تنبیه پذیر است هر چند با سرزنش یا تهدید، رفتار نامطلوب را موقتا ترک نماید؛ اما با رغبت و علاقه رفتارش را اصلاح نمی کند، بنابراین بهره گیری از نقاط مثبت و تعریف و تمجید از او در زمینه ویژگی های مطلوبش، احساس خوشایندی در او نسبت به والدین ایجاد می شود و در نتیجه با جان و دل سخنانش را می پذیرد و قبل از هر گونه انتقاد، به اصلاح رفتار خویش می پردازد تا همه وجودش مورد تائید و تمجید قرار گیرد. (۲، ص ۲۸)

ب) استفاده از روش های غیر مستقیم (تقویت منفی)

این روش نیز رفتار نامطلوب را کاهش داده و باعث افزایش رفتار مطلوب می گردد. نوجوان و جوان برای گریز از پیامد ناخوشایند رفتار نامطلوب سعی می کند رفتارش را اصلاح کند. (۲ریالص ۲۹)

یکی از مشکلات و مسائلی که امکان دارد همه افراد سنین مختلف دچار آن شود انحرافات جنسی است که عواقب بدی را بر انسان می گذارد. عکس العمل والدین در برابر این رفتار فرزندشان خیلی مهم است . که بحث مسائل جنسی و مسائل مربوط به آن بحث مستقلی را می طلبد. کهدر این جا فقط اشاره شد که والدین در این زمینه نقش مهمی دارند.

نتیجه گیری

تربیت انسان در دو مرحله صورت می گیرد: ۱- قبل از تولد ۲- بعد از تولد
گناه اثر زیادی بر روی تربیت فرزند قبل از تولد می گذارد که پدران و مادران در این دوران باید با انجام کار های درست و صحیح و پرهیز از گناه موجبات سعادت فرزندان شان را فراهم کنند.
والدین باید با نوع غذا و حلال بودن آن توجه خاصی داشته باشند؛ زیرا تاثیر بسیاری بر روی اخلاص، رفتار و ایمان فرزند می گذارد.

بسیاری از نابسامانی روانی و اخلاقی انسان ناشی از تربیت نادرست او در دوران کودکی است که خانواده ها می توانند با روش های صحیح مثل محبت کردن به آنها (افراط، نه تفريط) تشویق و تنبیه بجا، دور کردن ترس و مبارزه با حسد و موارد صحیح استفاده خشم فرزند سالمی را تربیت کنند.

روش الگویی در تربیت دینی کودکان بیشترین تاثیر را می گذارد؛ زیرا کودک جذب کمالات والدین خود می شود و با ایجاد همانندی به سمت او حرکت می کنند.

والدین باید به فکر و عمل شخصیت نوجوان خود بها دهند و در کار ها با او به مشورت بپردازند. رای و نظر او را خواستار باشند و به او مسئولیت بدهند.

والدین باید برای این که نوجوان مومن داشته باشند باید اصول اخلاقی که در فطرت آنها نهفته است را بیدار کنند و از هر نوع زور و تحمیل خودداری کنند؛ بلکه باید با افکار علمی و استدلال منطقی اصول دینی و اخلاقی را برای نوجوان تبیین سازند.
در جوانی فرزند تمایل زیاد دارد به اینکه دیگران به اعتماد داشته باشند که این مسئله در ارتباط با بعد استقلال طلبی جوان می باشد که والدین باید دقت زیادی داشته باشند. والدین باید با جوان خود همانند دوست باشند و با او همدردی و همدلی کنند و به او محبت کنند و به شخصیت جوان احترام بگذارند.

منابع و ماخذ:

۱. قرآن کریم
۲. اسماعیلی، حمید، والدین و تربیت نسل جوان، طلوع فجر، قم، ۱۳۸۲
۳. استادان طرح جامع آموزش خانواده، خانواده و فرزندان، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۷
۴. امینی، ابراهیم، آئین تربیت، بوستان کتاب، تهران، ۱۳۶۸
۵. بهشتی، احمد، اسلام و تربیت کودکان، سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۰
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶
۷. سادات، محمد علی، رفتار والدین با فرزندان، انجم اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۷۳
۸. سهراب پور، همت، جوانان در طوفان غرایز، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹
۹. عامری، حر، وسائل الشیعه، موسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۹
۱۰. فرهادیان، رضا، والدین و مربیان مسئول، سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۷
۱۱. فلسفی، محمد تقی، بزرگسالان و جوان از نظر افکار و تمایلات، هیئت نشر معارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۷
۱۲. -----، جوان از نظر عقل و احساسات، هیئت نشر معارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۷
۱۳. فورد، جودی، تبسم بر شرار نوجوانی، ترجمه نفیسه معتکف، دفتر نشر معانی، تهران، ۱۳۷۶
۱۴. قائمی، علی، دنیای بلوغ، اسپیر، تهران، ۱۳۸۰
۱۵. -----، خانواده و مسائل نوجوان و جوان، شفق، قم، ۱۳۶۱
۱۶. نوری، محدث، مستدرک الوسائل، انتشارات آل البیت، قم، ۱۳۶۱
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، موسسه چاپ الوفاء، بیروت، لبنان، ۱۴۰۴
۱۸. مظاهری، حسین، تربیت فرزند از نظر اسلام، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به انتشارات امیر کبیر، قم، ۱۳۸۷
۱۹. معتمدی، زهرا، رفتار با نوجوانان، لک لک، بی جا، ۱۳۸۲
۲۰. ملا احمدی، محسن، ازدواج و تربیت انسان قبل از تولد، انتشارات شاکر، قم، ۱۳۸۲
۲۱. میخبر، سیما، ریحانه بهشتی، نور الزهرا، قم، ۱۳۸۲